

بررسی و نقد کتاب تاریخ عرب در دوران اسلامی؛ سیره نبوی

علی بیات*

چکیده

بدیهی است که همه آثار منتشرشده درباره تاریخ، فرهنگ، و تمدن اسلامی اعتبار علمی یکسانی ندارند و ضروری است که در ترازوی نقد ارزیابی شوند. در این نوشته، کتاب *تاریخ العرب فی الاسلام* اثر مورخ نامور عراقی جواد علی، که به کوشش منصور داداش‌نژاد با عنوان *تاریخ عرب در دوران اسلامی؛ سیره نبوی* ترجمه شده، به روش توصیفی-تحلیلی بررسی و نقد صوری و محتوایی شده است. کتاب پاره‌ای نقایص و کاستی‌ها دارد از جمله: انطباق نداشتن عنوان کلی کتاب بر محتوای آن، گاه حصر بینش و روش تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری مؤلف در چهارچوب‌های صرفاً آکادمیک و مکتب اثبات‌گرایی تاریخی (پوزیتیویسم تاریخی)، نقل بعضی مطالب بدون ذکر منبع و یا نقل‌های بدون نقد، و پاره‌ای ابهامات در متن. جز موارد مذکور مطالب کتاب مبتنی بر مواد و مستندات متنوع و متقن تاریخی و مقایسه آن‌ها، بهره‌گیری از تحقیقات لغت‌شناسی و زبان‌شناسی، و نقل و نقد آرای مستشرقان است. مؤلف با انگیزه و هدف حقیقت‌جویی و کشف واقعیت در تاریخ به مطالعه و تحلیل تاریخ اسلام پرداخته و نوپردازی‌ها و نکته‌سنجی‌های دقیق و عالمانه‌ای از زنجیره رویدادها به دست داده است. ویژگی‌های اخلاق علمی مؤلف مانند پرهیز از تعصب، فروتنی، و تواضع علمی و نقدپذیری از دیگر امتیازها و مزایای کتاب است.

کلیدواژه‌ها: نقدصوری، نقدمحتوایی، نقدبینشی، نقد روشی، نقد مستندات کتاب.

* دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران niayesh37@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۲۶

۱. مقدمه

تاریخ، فرهنگ، و تمدن اسلامی یکی از جریان‌های مهم و غنی در سیر تاریخ، فرهنگ، و تمدن بشری است و گستره جغرافیایی آن مرزهای غربی چین در شرق جهان اسلام تا اندلس در غرب و از قفقاز در شمال تا منتهی‌الیه جزیره‌العرب و صحاری مرکزی افریقا در جنوب را در بر می‌گیرد. در این گستره، صورت متکثر فرهنگ و تمدن اسلامی در عین وحدت اسلامی آن، کارنامه‌ای سترگ را برای مطالعه و تحقیق فراهم آورده است. این کارنامه عظیم طی یک قرن اخیر، بنا به انگیزه‌ها و اهداف گوناگون و ملاحظات جدید تاریخ‌نگاری، مورد توجه و اهتمام ویژه پژوهش‌گران غیرمسلمان و به تبع آنان مسلمان قرار گرفته است و از ره‌گذر آن، انبوه آثار مکتوب و غیرمکتوب پدید آمده و به چاپ رسیده و هم‌چنان راه تحقیق و تألیف را برای اندیشمندان و علاقه‌مندان به مطالعات تاریخی و فرهنگ و تمدن اسلامی گشوده است.

غرض از این مختصر توجه به این مهم این است که در عصر آزاداندیشی، خردگرایی، و علم‌گرایی نوی که پس از رنسانس اروپا در جهان پدید آمد، انواع پژوهش‌های تاریخی مربوط به تاریخ، فرهنگ، و تمدن اسلامی با عناوین و موضوعات مختلف انجام شده است و می‌شود، اما مسلم این است که همه آن‌ها ارزش و اعتبار علمی ندارند مگر آن‌که به پیمانه و معیار عقل و علم سنجیده شوند تا هم سره از ناسره جدا شود و هم علاقه‌مندان به آثار تاریخی و به‌ویژه دانشجویان و پژوهش‌گران تاریخ، اثر عالمانه تاریخی را از اثر سست و بی‌مایه و پایه‌بازشناسند. بنابراین، نقد آثار و مطالعات و تحقیقات جدید تاریخی در این زمینه نیاز اساسی زمانه ما خصوصاً برای مسلمانان است و غفلت از آن سبب رونق گرفتن بازار مکاره کتاب‌های غیرعلمی و بی‌فایده می‌شود.

جواد علی نه‌فقط از پژوهش‌گران و مورخان نامدار و مشهور عراق، که از پیش‌گامان و بنیان‌گذاران جریان نو تاریخ‌نگاری در جهان اسلام به‌شمار می‌رود. فضل تقدم او در تاریخ‌نگاری نو و نیز تألیف و انتشار آثار ارزشمند علمی از او چهره‌ای نام‌آشنا در مراکز و محافل علمی و دانشگاهی ساخت و تاکنون همواره آثارش محل رجوع پژوهش‌گران و مورخان اسلامی بوده است.

در این نوشته کتاب *تاریخ العرب فی الاسلام* او، که با عنوان *تاریخ عرب در دوران اسلامی؛ سیره نبوی* به کوشش منصور داداش‌نژاد به فارسی ترجمه شده است، ذیل شش عنوان ۱. مختصری درباره زندگی‌نامه مؤلف، ۲. آثار مؤلف، ۳. مشخصات کتاب، ۴. امتیازات کتاب، ۵. نقد محتوایی کتاب، و ۶. نقد ترجمه نقد و بررسی می‌شود.

۲. نقد و بررسی کتاب

۱.۲ مختصری درباره زندگی نامه مؤلف

شخصیت فکری و علمی جواد علی در ایران چنانکه شاید و باید شناخته شده نیست. آنچه ضروری است در این نوشته به اختصار گفت این است که جواد علی از برجسته ترین مورخان عراقی و نیز جهان اسلام است. او در خانواده ای شیعه مذهب به سال ۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷ م در کاظمین زاده شد. تحصیلات ابتدایی خود را در عراق (کاظمین و بغداد) گذراند. سپس در سال ۱۳۵۲ ق/ ۱۹۳۳ م از سوی وزارت معارف عراق برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری برگزیده و به آلمان اعزام و وارد دانشگاه هامبورگ شد. در آنجا فلسفه و زبان لاتینی را فراگرفت (مطبعی، ۱۹۸۵: ۹۲). سرانجام پس از قریب هفت سال تحصیل در ۱۳۵۸ ق/ ۱۹۳۹ م با دفاع از رساله اش با عنوان «المهدی المنتظر عند الشیعه الاثنی عشریه» با راهنمایی دکتر اشتروتمان به اخذ درجه دکتری نائل آمد (ملفه جواد علی، ۱۹۶۰). جواد علی طی تحصیل در آلمان ازدواج کرد، اما پس از اخذ درجه دکتری به عراق بازگشت و با هم کاری دیگر اندیشمندان عراقی مانند محمدرضا الشیبی و علامه سیدمحمد بهجه الاثری به سال ۱۳۶۷ ق/ ۱۹۴۷ م مرکز علمی «المجمع العلمی العراقی» را، که بعدها عالی ترین مرکز علمی عراق شد، بنیان نهاد (ملفه جواد علی، ۱۹۴۷؛ ← الکعبی، ۱۳۹۲).

جواد علی پس از بازگشت به عراق با مراکز علمی و دانشگاه های مغرب زمین ارتباط و هم کاری مؤثری داشت. در سال های ۱۳۵۸-۱۳۵۷ ق/ ۱۹۳۹-۱۹۳۸ م به دعوت دانشگاه هاروارد به مدت یک سال به تدریس پرداخت (ملفه جواد علی، ۱۹۵۷). در ۱۳۸۱ ق/ ۱۹۶۱ م نیز از سوی موزه بریتانیا و مرکز مطالعات شرقی دانشگاه لندن از او برای مطالعه و تحقیق دعوت به عمل آمد ((ملفه جواد علی، ۱۹۵۸).

او علاوه بر عضویت در المجمع العلمی العراقی و نقش مؤثری که در تأسیس آن و نیز سردبیری مجله المجمع العلمی العراقی داشت، عضو مجمع اللغة العربیه فی القاهره، المجمع اللغة العربیه دمشق، المجمع الملکی الاردنی، و موزه تاریخی برلین نیز بود.

در نتیجه فعالیت ها و مطالعات عمیق، روشمند، و عالمانه او و دیگران بود که تاریخ نگاری جدید در عراق پا گرفت. به گفته نصیر الکعبی «شهرت جواد علی فقط در عراق نبود، بلکه در کشورهای عربی شخصیتی چون او کم نظیر بود. وی از برجسته ترین مورخان معاصر جهان عرب بود. تا قبل از جواد علی در جهان عرب فقط مکتب تاریخ نگاری مصر وجود داشت و فردی چون احمد امین در این مکتب شناخته شده بود، اما

کار و تألیفاتش سطحی بود. اما پس از بازگشت جواد علی از آلمان و شروع فعالیت‌های علمی و پژوهش‌های تاریخی او، مکتب تاریخ‌نگاری عراق پا گرفت و رقابت علمی دو مکتب تاریخ‌نگاری عراق و مصر شروع شد. کار بسیار مهم و مثبت علمی‌ای که جواد علی انجام داد این بود که با هم‌کاری عبدالعزیز الدوری و صالح احمد العلی مثلث تاریخ‌نگاری نو عراق را در این زمان تشکیل دادند» (الکعبی، ۲۰۱۱).

جواد علی پس از ۵۰ سال کوشش بی‌وقفه علمی در سال ۱۳۹۲ ق/ ۱۹۷۲ م بازنشسته شد. پس از چندی به انگلستان سفر کرد و به خانواده‌اش پیوست و سرانجام به سال ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۷ م دفتر زندگی او برای همیشه بسته شد.

۲.۲ آثار مؤلف

جواد علی پس از بازگشت به عراق به فعالیت‌ها و انجام پژوهش‌های علمی ارزشمندی در حوزه تاریخ و فرهنگ عرب و اسلام پرداخت. مشهورترین اثر تحقیقی او، که بیش‌تر به آن شناخته می‌شود، کتاب دایرةالمعارف گونه‌المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام در ده جلد درباره تاریخ و فرهنگ عرب پیش از اسلام است. جز این اثر مهم، کتاب‌های زیر نیز از او به چاپ رسیده‌اند:

۱. التاریخ العام (بغداد ۱۹۲۷)

۲. اصنام العرب (بغداد ۱۹۶۷)

۳. تاریخ الصلاه فی الاسلام (بغداد ۱۹۶۸)

۴. تاریخ العرب فی الاسلام (بیروت ۱۹۶۹)

۵. المهدي المنتظر عند الشيعة الاثنا عشرية (۲۰۰۵)

جز کتاب‌های مذکور، معجم الفاظ المسند، و به گفته الکعبی، معجم اللغات القديمه دیگر کتاب اوست که هنوز منتشر نشده است (← جواد علی، ۱۳۹۱: ۱۰).

به گفته نصیر الکعبی آثار برجسته و حجیم جواد علی فقط محدود به کتاب المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام نیست و کتاب مهم دیگری در همین حجم با عنوان المفصل فی تاریخ العرب بعد الاسلام (در ۱۰ جلد) دارد که متأسفانه هنوز چاپ نشده است (همان). چنانچه چنین اثری به گفته الکعبی موجود باشد اما به چاپ نرسیده باشد، دلالت بر وجود اثر سترگ دیگری از جواد علی هم‌سنگ المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام دارد. اما جواد علی خود پس از بررسی تاریخ سیره نبوی در سه سال دوران دعوت پنهانی در کتاب

تاریخ العرب فی الاسلام ادامه بحث را به فصول بعدی ارجاع داده است. این سخن گرچه قریبه‌ای است در تأیید مدعای کعبی، به احتمال قریب به یقین به‌رغم این ارجاع، جواد علی موفق به نگارش و تکمیل اثر خود نشده است و بنابراین، بدون مدرک و شاهدهی موثق و متقن نمی‌توان از وجود چنین اثری سخن گفت.

جز کتاب‌های مذکور ده‌ها مقاله علمی نیز از او در مجلات گوناگون چاپ شده است که شماری از آن‌ها را نصیر الکعبی با عنوان *ابحاث فی التاریخ الاسلامی* گردآوری کرده و در دو جلد در منشورات الجمل بیروت به چاپ رسانده است (الکعبی، ۲۰۱۱).

۳.۲ مشخصات کتاب

۱.۳.۲ مشخصات چاپی

عنوان عربی کتاب *تاریخ العرب فی الاسلام* است که با عنوان اصلی *تاریخ عرب در دوران اسلامی* و عنوان فرعی *ذیل آن سیره نبوی* به فارسی ترجمه شده است. متن ترجمه در ۱۸۸ صفحه مشتمل بر پیش‌گفتاری با عنوان سخن اول به قلم سیدهادی خامنه‌ای رئیس پژوهشکده تاریخ اسلام به عنوان ناشر کتاب در دو صفحه است. سخن مترجم در پنج صفحه و ۱۶۳ صفحه مطالب مؤلف شامل مقدمه‌ای سه‌صفحه‌ای و چهار فصل کلی و در پایان نیز نمایه اشخاص و اماکن کتاب به کوشش مترجم کتاب در ده صفحه حجم کتاب را تشکیل می‌دهد.

۲.۳.۲ معرفی مقدمه کتاب

مؤلف در مقدمه کوتاه خود، انگیزه و هدف خود را از نگارش کتاب چنین بیان داشته که، آن را به میل و خواهش یا برای خشنودی کسی ننوشته و انگیزه‌اش بیان نظری میان نظرها و صدایی میان صداها و آهنگی میان آهنگ‌هایی بوده که از تاریخ عرب و اسلام به گوش می‌رسد (۱۳۹۱: ۱۵).

نکته مهمی که جواد علی در مقدمه کوتاه این کتاب بیان داشته دیدگاه تاریخی و تاریخ‌نگاری‌اش است. در این باره نوشته است:

من در این کتاب مبلغ هیچ کدام از دین‌ها نیستم و معتقدم یهودیت، نصرانیت یا اسلام به نظر و کمک و تأیید من نیازی ندارند. این دین‌ها همه از سرچشمه‌ای واحد و کامل‌کننده یک‌دیگرند ... من در این کتاب نمی‌خواهم نظری را باطل و بی‌ارزش یا نظر دیگری را تأیید کنم. ما در زمانی هستیم که این‌گونه راه‌ها قدیمی و پوسیده شده است و پیروان آن را

اگر زبانی نرسانند، سودی هم نخواهد رساند. روش من همان‌طور که گفتم بیان آرا و روشن کردن آن‌ها بدون جانب‌داری و تعصب و ارائه مطالبی است که به آن‌ها رسیده‌ام. دل‌دادگی و طرف‌داری از آرای خاص، آسیب‌رساندن به علم است (همان: ۱۶).

مطلب مهم دیگری که بیان‌گر نوع نگاه جواد علی به بنیان و ابزار اصلی تاریخ‌نگاری است این است که شرط نگارش تاریخ علمی اسلام، شناسایی منابعی است که تعدادشان بسیار است، اما در این‌جا و آن‌جا پراکنده‌اند و باید بررسی و مطالعه شوند و نظم و آرایش و ترتیب یابند که اگر این شرط مهیا شد، نگارش علمی تاریخ ممکن می‌شود (همان: ۱۷). در پایان نیز نوشته خود را مصون از لغزش و خطا نپنداشته و از خوانندگان خواسته است تا در صورت خواندن کتابش او را از اشتباهاتش آگاه کنند و در کمال فروتنی نقد مردم بر کتاب را با هر هدف و انگیزه‌ای دلیل خرد و دانایی و باارزش برای خود دانسته است (همان).

موارد مذکور به روشنی بینش و روش و سبک تاریخ‌نگاری جواد علی را می‌نمایاند که در جای خود بایسته و شایسته توجه و بررسی است و ذیل نقد محتوایی کتاب مجدداً بررسی خواهد شد.

۳.۳.۲ معرفی فصل‌های کتاب

۱.۳.۳.۲ فصل اول: اهمیت تاریخ اسلام و چگونگی تدوین آن

در این فصل، که صفحه‌های ۱۹ تا ۴۶ کتاب را در بر می‌گیرد، مؤلف به این موارد پرداخته است: ضرورت مطالعه تحلیلی تاریخ اسلام بر اساس اندیشه در اسباب و عوامل رخدادهای تاریخی، پرهیز از تمایلات آشکار و پنهان، سنجش گزاره‌ها و روایت‌های تاریخی و مقایسه و تطبیق بین آن‌ها، پرهیز از نقل محض، شناسایی و تفکیک اخبار و روایات جعلی و ضعیف از روایات موثق، شناسایی موانع در راه تحقیق علمی و بیان حقایق و کنار زدن تعصبات و تمایلات نابه‌جا در افکار عمومی جامعه‌ای که مورخان در آن زندگی می‌کنند، نقد دیدگاه و روش مستشرقان و مسلمانان، ضرورت شناسایی اسناد و منابع اصیل و متنوع تاریخ اسلام مانند مکتوبات مسلمانان (که متأسفانه قدمت هیچ یک از مکتوبات موجود به قرون ششم و هفتم هجری بازمی‌گردد)، مسیحیان، قرآن، تفاسیر، شعر، و امثال و قصه‌های عصر جاهلی عرب، شناسایی زمینه‌ها و عوامل منع صحابه از کتابت حدیث، یا بی‌توجهی آنان به این امر، توجه به اسباب نزول آیات، توجه به حوزه‌های مطالعات اجتماعی، اقتصادی، فکری، و فرهنگی و نیز روش خود در تحقیقات تاریخی.

جواد علی در ضمن مباحث مذکور نکته‌های مهم و آموزنده‌ای را درباره‌ی روش تاریخ‌نگاری خود بیان داشته که در عین اجمال معیار و ملاک مهمی برای ارزیابی و نقد تاریخ‌نگاری اوست (← جواد علی، ۱۳۹۱: ۴۱-۴۶).

۲.۳.۳.۲ فصل دوم: مکه مکرمه

در این فصل، که عنوان مکه مکرمه دارد، از صفحه ۴۷ تا ۸۳ با بهره‌گیری از واژه‌شناسی و منابع اصیل و متنوع و در موارد متعدد استشهاد و استناد به آیات قرآن، مباحثی مانند مکه و مردم آن مقارن ظهور اسلام، جایگاه قریش، نقش قصی، آیین و آداب بت‌پرستی و بت‌های عرب، خانه کعبه، حنیفیت و حنفا در حجاز، نظام بردگی در مکه، اشرافیت حاکم بر مکه، منزلت بنی‌هاشم، وضع شهری، شهرنشینی، نهادها و تشکیلات اجتماعی، فرهنگی، ترکیب و طبقات اجتماعی مکه و حجاز و نیز خلق و خوی بادیه‌نشینان مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. در این حجم اندک مؤلف نکته‌سنجی‌ها و دقت نظرهایی دارد که کم‌تر در دیگر آثار منتشرشده درباره‌ی خاستگاه تاریخی اسلام می‌توان یافت.

۳.۳.۳.۲ فصل سوم: از ولادت تا مبعث

در این فصل با عنوان از ولادت تا مبعث در ۴۳ صفحه (۸۵ تا ۱۲۷) درباره‌ی شأن بشری رسول خدا (ص) به استناد آیات قرآن، نام‌ها و کنیه‌های رسول خدا (ص)، تاریخ و محل ولادت، پدر، مادر، دایه، سرپرست‌های رسول خدا (ص) یعنی عبدالمطلب و ابوطالب همراه با اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی آنان، حوادث دوران کودکی و جوانی، مسافرت‌ها، مشاغل، ماجرای ازدواج او با خدیجه، اوصاف و صفات اخلاقی آن حضرت و نیز همسرش خدیجه بر اساس و به استناد منابع متنوع و متعدد تاریخی مانند کتیبه‌های سنگی در جزیره‌العرب، تورات و انجیل، قرآن، پیمان‌نامه‌ها، و متون سیره سخن رفته و دیدگاه‌ها و آرای ظنی و ضعیف مستشرقان را درباره‌ی موضوعات مذکور نقل، نقد، و رد کرده است. اطلاعاتی که درباره‌ی ولادت تا مبعث پیامبر (ص) در این حجم اندک آمده است مستند، دقیق، و موشکافانه است و برای علاقه‌مندان به تاریخ و زندگانی رسول خدا (ص) خصوصاً استادان و مدرسان سیره نبوی بسیار ارزشمند است.

۴.۳.۳.۲ فصل چهارم: محمد (ص) رسول خدا

مطالب این فصل، که در ۴۹ صفحه از ۱۲۹ تا ۱۷۷ آمده است، مشتمل است بر زمان وحی و کیفیت نزول آن و اختلاف روایات در این باره، آرای مستشرقان درباره‌ی تجربه‌ی وحی نبوی و نقد آن‌ها، مسئله خواندن و نوشتن رسول خدا (ص) و امی بودن او و معانی

گوناگون آن، معانی اسطوره و توجیهاات مستشرقان در این باره، مسئله انقطاع وحی، کنش و واکنش پیامبر (ص) و نزدیکان او پس از وحی بر آن حضرت، چگونگی و ترتیب گروش نخستین ایمان‌آوردگان به اسلام تا آغاز دعوت آشکار، و تسامح قریش در برابر گروش افراد به اسلام طی سه سال دعوت مخفی تا شروع نخستین برخوردها و رویارویی‌ها که بنا بر آیات قرآنی، تفاسیر، کتاب‌های لغت، روایات و اخبار مندرج در کتاب‌های سیره و منابع یهودی به دقت بررسی شده است و هیچ علاقه‌مند و مدرس تاریخ صدر اسلام از مراجعه به آن بی‌نیاز نیست.

۴.۲ امتیازات

۱.۴.۲ بهره‌گیری از منابع اصیل

جواد علی از نادر مورخان و پژوهش‌گران مسلمانی است که در کار مطالعات و تحقیقات تاریخی به بهره‌گیری از انواع منابع اصیل و دست اول، که در متن رویدادها و یا نزدیک به زمان وقوع آن‌ها تولید شده است، التزام دارد. به نوشته او «مورخ مانند صورت‌گری است که به قدر امکان و توان و به میزان دانشش در توصیف چیزی که در تدوین آن است می‌کوشد تا بر اساس منابع و مصادر اصلی توصیفی درست ارائه دهد» (۱۳۹۱: ۴۲). درباره منابع مربوط به موضوع این کتاب نیز چنین اظهار می‌دارد که «چون موضوع این کتاب تاریخ عصر رسالت است، لازم است اسناد و مدارک مربوط به همان دوره و داده‌هایی که زمانشان به عصر رسول خدا (ص) بازمی‌گردند بررسی شوند و به کمک آن‌ها از احوال عرب در عصر رسالت آگاه شویم و بر چگونگی گسترش اسلام دست یابیم» (همان: ۲۵). در کل با مراجعه به متن کتاب و پانوشته‌های آن می‌توان دریافت که مؤلف از انواع منابع و داده‌های تاریخی اعم از آثار باستان‌شناسی، کتیبه‌های ثمودی، صفائی، لحنانی، و مسندی (حمیری)، منابع و متون دینی عهد عتیق و عهد جدید، قرآن، اخبار، روایات و احادیث، انواع منابع مکتوب قدیمی در موضوعات مختلف اعم از لغت، شعر، امثال عرب، کلام، تاریخ، و نیز نتایج تحقیقات و پژوهش‌ها و آرای مستشرقان و متفکران و عالمان مسلمان و هر آنچه بتواند تاریخ گذشته را بدون تعصب و گرایش ترسیم کند (همان: ۴۱) سود جسته است.

۲.۴.۲ بهره‌گیری از مطالعات زبان‌شناسی

از ویژگی‌ها و امتیازات دیگر کتاب جواد علی این است که در مباحث گوناگون، برای ریشه‌یابی واژه‌ها و اصطلاحات تاریخی و معنا و مفهوم آن‌ها به مباحث لغوی و زبان‌شناسی

می‌پردازد و از منابع لغت و متون عبری، عربی، لاتینی و ... بهره می‌گیرد. با چنین عطف توجه به مباحث لغوی و زبان‌شناسی است که کتاب او از غنای محتوایی کم‌نظیری برخوردار شده است (برای مثال ← واژه‌شناسی و مفهوم‌شناسی مکه در فصل دوم، نام‌ها و کنیه‌های رسول خدا (ص) در فصل سوم و امی و امیین در فصل چهارم).

۳.۴.۲ طرح و نقد آرای مستشرقان

طرح و نقد دیدگاه‌ها و آرای تاریخی مستشرقان از امتیازات خاص کتاب است. گرچه مؤلف به بررسی مطالب مرتبط با زمینه‌های ظهور اسلام و شخصیت رسول خدا (ص) و رویدادهای سه سال نخست عصر نبوی پرداخته و پیش‌تر نیامده است، از امتیازات همین مختصر این است که مؤلف در ارتباط با هر موضوع و مبحث مربوط به تاریخ اسلام و زندگی و سیره رسول خدا (ص)، که مستشرقان درباره آن اظهار نظر کرده‌اند، به نقل و نقد دیدگاه‌ها و آرای آنان پرداخته است. با مطالعه این مطالب خواننده کتاب درمی‌یابد که مؤلف کاملاً به آرا و آثار مستشرقان و اسلام‌پژوهان غربی درباره اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی اشراف علمی دارد و به نقل از آن‌ها و نقد آن‌ها می‌پردازد.

۴.۴.۲ حقیقت‌جویی و واقع‌نگری

نکته مهم در شناخت انگیزه و هدف تاریخ‌پژوهی و تاریخ‌نگاری جواد علی این است که او تاریخ را «ترسیم گذشته و تشخیص و ارائه آن بدون تعصب و گرایش یا اظهار نظر و قضاوت» (همان) می‌داند. درباره انگیزه، هدف، و نقش خود در تألیف و تصنیف این اثر نیز چنین نوشته است: «من در این کتاب تنها تصویرگر و ترسیم‌کننده‌ام. تلاش می‌کنم تصویر صاف و پاکی از تاریخ اسلام ارائه دهم. چیز ناشناخته‌ای را بر آن وارد نمی‌کنم و چیزی از آن نمی‌کاهم. شکل و صورتی که از اسلام عرضه خواهم کرد شکل اسلام در روزگار اولیه آن و ایام رسول خداست؛ یعنی ایام زلالی و نابی، پیش از این که مواد زائد در آن وارد شود. مواد زائدی که صافی آن را تیره کرد و چیزهایی را که از آن نبود به آن افزود» (همان). با مطالعه کتاب، خواننده درمی‌یابد که مؤلف آگاهانه و عامدانه اعتقادات و تمایلات فکری و فرقه‌ای خود را بر وقایع تاریخی تحمیل نکرده و هر واقعه و پدیده تاریخی را با دید تاریخی و در متن رویدادها و مقتضیات زمانی و مکانی آن‌ها تعلیل و تحلیل کرده است.

۵.۲ نقد محتوایی کتاب

با همه امتیازاتی که کتاب دارد، مصون از نقد و مواردی از کاستی، ابهام، و نقص نیست.

گفتنی است که نقد کتاب خدمت به حقیقت و اندیشه و در عین حال به اندیشمندی است که به گفته خود مؤلف، «نیت من خالصانه برای علم و دانش است و کارها بسته به نیت است» (همان: ۱۷). بدیهی است که نقد علمی هم خدمت به علم و دانش خواهد بود.

۱.۵.۲ نام‌گذاری کتاب

اولین نقد وارد بر کتاب نام‌گذاری آن است. نام و عنوان هر کتابی باید معرف ماهیت و چهارچوب موضوع کتاب و نیز نگاه کلی مؤلف باشد. جواد علی پیش از تألیف این اثر، کتاب ده جلدی خود را با عنوان *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام* نگاشت. او در ادامه و تکمیل آن کتاب می‌خواست طرح جامع تحقیقی دیگری با عنوان «تاریخ العرب فی الاسلام» را درافکند. طرحی که به جایگاه و نقش قوم عرب در دوران اسلامی و وقایع این دوران اختصاص داشت و می‌بایست هم‌چون کتاب نخست مشتمل بر چندین جزء یا جلد باشد و مؤلف انجام آن را در گرو استمرار حیات خود دانسته بود (همان: ۱۵). اما انجام و تکمیل این طرح به هر علت محقق نشد و نگارش آن تا آغاز دعوت آشکار در سال سوم بعثت پیش‌تر نیامد. همین بخش مقدماتی نگاشته شده بود که با عنوان *تاریخ العرب فی الاسلام* به سال ۱۹۶۹م در بیروت به چاپ رسید و اساس ترجمه آن به فارسی قرار گرفت و با عنوان *تاریخ عرب در دوران اسلامی؛ سیره نبوی* به چاپ رسید. اما با توجه به توقف طرح اولیه تحقیق باید عنوان اولیه طرح نیز تغییر یابد. گرچه باید مؤلف عنوان را تغییر دهد که به هر علت و دلیل صورت نگرفت، اما ضرورت داشت این مهم از سوی متولیان نظارت بر چاپ آثار مؤلف (در صورت وجود چنین متولیان) صورت می‌گرفت تا عنوان با محتوای کتاب مطابقت داشته باشد.

۲.۵.۲ دیدگاه تاریخی مؤلف

بی‌تردید جواد علی در پیدایی جریان نو تاریخ‌نگاری در عراق جایگاه و نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. او، که جزو نخستین تحصیل‌کنندگان و تربیت‌شدگان حوزه مطالعات تاریخی در مغرب‌زمین بود، توانست پس از آشنایی با بینش و روش جدید تاریخ‌نگاری غربی، فصل نوی را در فضای تاریخ‌نگاری سنتی عراق پدید آورد. از این حیث او نقش پیش‌گامی دارد. با وجود این، کارنامه علمی او نیاز به غربال نقد دارد. نگارنده از پیشینه نقد کارنامه‌اش در مراکز علمی عراق اطلاعی ندارد؛ از این رو نقد علمی جواد علی از دریچه کوچک این اثر بسیار ناقص و مستلزم بررسی جامع‌تر و دقیق‌تر آثار اوست.

از آنجا که جواد علی تحصیل کرده غرب (آلمان) بود، خواهناخواه و آگاهانه یا ناآگاهانه از زمینه‌ها و فضای فکری و علمی آنجا تأثیر گرفته بود. به نوشته خودش «انسان‌ها از نیروهای تأثیرگذار آگاه نیستند» (همان: ۲۱). بینش تاریخی جواد علی، آن‌گونه که در آینه این کتابش انعکاس یافته است، متأثر از نظام فلسفه پوزیتیویستی (مکتب اثبات‌گرایی) آگوست کنت (۱۸۵۷-۱۷۹۸ م) بود که از قرن هجدهم در اروپا پدید آمد و به تدریج از حوزه فلسفی به حوزه‌های مطالعات علوم اجتماعی و تاریخی گسترش یافت. بنا بر این نظریه، راه رسیدن به معرفت قطعی بر آزمایش، تجربه، و به کار گرفتن عقل در اجتماع و تاریخ استوار است. جواد علی نیز، که در چنین فضای علمی-آموزشی‌ای تحصیلات رسمی خود را گذرانده بود، طبیعی است که تا اندازه‌ای متأثر از چنین دیدگاهی بوده باشد. آنجا که او به صراحت نظر خود را درباره تاریخ بیان می‌دارد که «در نظر من تاریخ ترسیم گذشته و تشخیص و ارائه آن بدون تعصب و گرایش یا اظهار نظر و قضاوت است» (همان: ۴۱) یا «من در این کتاب تنها تصویرگر و ترسیم‌کننده‌ام» (همان) و «مورخ مانند صورت‌گری است که به قدر امکان و توان و به میزان دانشش در توصیف چیزی که در تدوین آن است می‌کوشد تا بر اساس منابع و مصادر اصلی توصیفی درست ارائه دهد. در این راه مورخ برای رسیدن به ژرفای حادثه‌ای که از آن بحث می‌کند، نهایت تلاشش را به کار می‌بندد تا به روح آن حادثه دست یابد و به این منظور خود را مانند مردی از مردم آن عصر تصور می‌کند. با این شرایط آنچه که به دست می‌آورد و فهم و درکش به آن رسد حکایت از گذشته می‌کند» (همان: ۴۲). این نظرها کاملاً منطبق است بر این دیدگاه مکتب اثبات‌گرایی تاریخی که کار مورخ فقط کشف است و نه بازسازی گذشته در ظرف زمان حال. مورخ گزارش‌گری است که فقط به اسناد و مدارک شناخته‌شده و معتبر تاریخی متکی است. این‌جاست که به نوشته جواد علی «انسان‌ها از نیروهای تأثیرگذار آگاه نیستند» (همان: ۲۱). او هم که خود انسانی چون انسان‌های دیگر بود نمی‌داند تا چه اندازه از تأثیرپذیری خود از بن‌مایه‌های معرفت تاریخی غرب یعنی مکتب اثبات‌گرایی تاریخی آگاهی داشت؟

۳.۵.۲ روش تحقیق

روش تحقیق او نیز در این کتاب از همان دیدگاه اثبات‌گرایی تاریخی، که صرفاً متکی بر انواع داده‌های تاریخی است، یعنی بهره‌گیری از انواع منابع، مباحث لغوی و زبان‌شناسی متأثر و بر استخراج و مقایسه اطلاعات تاریخی از منابع و نیز نقد و بررسی آرای مستشرقان استوار بود. این روش جواد علی، که عمدتاً پیروی از مورخان غربی خصوصاً آلمانی بود، گرچه در دوران حیات علمی وی سرآغازی نو و نوآورانه در تاریخ‌نگاری

عراق محسوب می‌شد، در چهارچوب همان روش باقی ماند و به نسبت و به موازات تحولات بعدی در روش تاریخ‌نگاری مورخان غربی پیش نرفت و متحول نشد. به عبارت دیگر، روش تحقیق تاریخی جواد علی در این اثر کاملاً اثبات‌گرایانه و متوقف به انواع منابع و مستندات تاریخی ماند.

۴.۵.۲ ضعف ساختاری کتاب

مطالب کتاب ذیل چهار عنوان کلی (فصول چهارگانه مذکور) تنظیم شده است که بیان‌گر نظم منطقی و کلی‌محتویات آن است، اما مباحث و مطالب فرعی مطرح‌شده ذیل هر فصل فاقد عنوان است و ذیل عناوین کلی فصول به صورت پراکنده آمده است. فقدان عناوین فرعی سبب درهم شدن و پراکندگی مطالب و مباحث و دشواریابی آن‌ها برای خواننده شده است، مانند پراکندگی بحث نزول وحی و کیفیت آن ذیل فصل چهارم از صفحه ۱۲۹ تا ۱۵۲.

۵.۵.۲ نقل مطالب بدون ذکر منبع

در کل مؤلف در ارجاع‌دهی به منابع مورد استفاده خود از شیوه‌های مرسوم امروزی بهره گرفته است و شیوه کار خود را چنین بیان داشته که «منابعی که به آن‌ها اعتماد و از آن‌ها مطلبی را نقل کرده‌ام، برای بار اول به صورت کامل از مشخصات نشر آن یاد می‌کنم، ولی در موارد بعدی برای پرهیز از اتلاف وقت خواننده و نیفزودن بی‌جهت به حجم کتاب، مختصر ذکر می‌کنم» (همان: ۱۵)، با وجود این در موارد زیر مطالبی را بدون ذکر منبع نقل کرده است:

۱. «برخی از مستشرق‌ها در این زمینه مبالغه کرده‌اند و برخی از تاجرهای مکه را میلیونر دانسته‌اند» (همان: ۷۳).
۲. «میان موالی و بیگانگانی که در مکه و مدینه سکونت داشتند برخی به‌خوبی از نوشتن و خواندن به زبان قوم خود آگاه بودند و کتاب‌های آن‌ها را می‌خوانند» (همان: ۸).
۳. «در مدینه مدراسی یا مدراس بود که یهودی‌ها، احکام دینشان را آن‌جا می‌آموختند» (همان).
۴. «روایتی هست که بیان می‌کند وحی در خواب بر رسول خدا (ص) در غار حرا نازل شد. اما نظر بیشتر مورخ‌ها بر این است که در بیداری نازل شد؛ زیرا وحی برای نبوت ممکن نیست که در خواب نازل شود» (همان: ۱۳۰-۱۳۱)؛ اما به هیچ منبعی برای نظر مورخان ارجاع داده نشده است.
۵. «روایت‌ها یاد می‌کنند زمانی که رسول خدا از طایف بازگشت، مدتی در غار حرا مخفی شد و بعد به مکه رفت» (همان: ۱۳۶).

۶.۵.۲ نقل بدون نقد

مؤلف گاه روایات و اخبار مشهوری را نقل کرده، اما به نقد، حداقل اجمالی، آن‌ها نپرداخته است مانند:

۱. اخبار مربوط به سن خدیجه هنگام ازدواج با محمد در ۴۵، ۳۵، ۳۰، ۲۸ و ۲۵ سالگی و یا سن آن حضرت هنگام ازدواج با خدیجه در ۲۱، ۳۰ و ۳۷ سالگی (همان: ۱۲۰).

۲. نقل مطلبی درباره انقطاع وحی (همان: ۱۳۳) بدون نقد و بررسی آن. این در حالی است که چند صفحه بعد مؤلف بیان داشته که «وحی زمان ثابت و مشخصی نازل نمی‌شد، بلکه با توجه به شرایط و مناسبت‌ها نازل می‌شد. گاه در یک روز چندین بار بر وی وحی نازل می‌شد و گاه چندین روز وحی قطع می‌شد» (همان: ۱۴۰). این سخن مؤلف موضوع انقطاع وحی را رد می‌کند.

۳. نیز خبر مربوط به ظاهر شدن جبرائیل با شمایل دحیه کلبی را از قول عمر بن خطاب بدون نقد نقل کرده است که گفت «روزی نزد رسول خدا بودیم که مردی با لباس بسیار سفید و موی بسیار سیاه وارد شد. نشانه سفر بر او آشکار نبود و کسی از ما او را نمی‌شناخت» (همان: ۱۳۹) اما اصل خبر مبهم و در متن آن نیز تناقض وجود دارد. اصل آن مبهم است، زیرا فلسفه ظاهر شدن جبرائیل به شمایل دحیه کلبی بیان نشده است. آیا به سبب زیبایی او بوده یا ایمان و طهارت قلبی و باطنی و روحی او یا ...؟ و اساساً چرا فقط دحیه؟! تعارض آن نیز در این است که اگر جبرائیل به شمایل دحیه بر رسول خدا (ص) ظاهر شده بود، چرا عمر ضمن وصف شمایل کلی او می‌گوید کسی از ما او را نمی‌شناخت؟ مگر آن‌ها دحیه را نمی‌شناختند؟

۴. نمونه دیگر درباره رؤیاهای رسول خدا پیش از نزول جبرائیل بر اوست که از کتاب *زاد المعاد* نقل شده و آن را جزوی از نبوت دانسته و مدتش را شش ماه که با نزول وحی پایان یافته است (همان: ۱۴۷). نقل این مطلب جای نقد و رد دارد، زیرا بنا به بعضی روایات، پس از نزول وحی هم گاه رسول خدا (ص) رؤیاهای صادق می‌دید، مثل رؤیایی که درباره جنگ احد دید (← واقدی، ۱۴۰۹: ۱/ ۲۰۸-۲۰۹) و رؤیایی که درباره زیارت خانه خدا دید و به سفر و سرانجام صلح حدیبیه انجامید (همان: ۲/ ۵۷۲).

۷.۵.۲ ابهام

گاه معنای بعضی واژگان و عبارات کتاب مبهم است و دقت کافی در کاربرد آن‌ها نشده است. منشأ این ابهام یا بی‌دقتی یا از مؤلف کتاب است یا از مترجم و لازمه تشخیص دقیق آن مقایسه زبان اصلی با ترجمه کتاب است. نمونه‌هایی از این موارد عبارت‌اند از:

۱. «محمد به صورت اتفاقی از بهترین خاندان‌های قریش بود که زعامت دینی مکه به عهده ایشان بود» (همان: ۸۸). واژه «اتفاقی» معنای این عبارت را گنگ و مبهم ساخته است، زیرا بر اساس معرفت تاریخی، تاریخ جریان متوالی و مستمر وقایع است که قانون و قاعده منطقی ترتب علت و معلول بر آن‌ها حاکم است و نه اصل اتفاق و تصادف. این که محمد به صورت اتفاقی از بهترین خاندان‌های قریش بود سخنی غیرعلمی و غیرمنطقی است. اگر او از بهترین خاندان‌های قریش نبود، قریشی که خود بر همه قبایل عرب آن روزگار سیادت و سروری نسبی، روحانی، اقتصادی، و سیاسی داشت، زمینه‌ها و عوامل بعثت و نبوتش فراهم نمی‌آمد و در دعوتش موفق نمی‌شد. پس از بهترین خاندان‌های قریش بودن پیامبر (ص) امری اتفاقی نبود.

در متن ترجمه است که «اما پس از این دوران سیره رسول خدا (ص) روشن و مفصل است. هم قرآن و هم صحابه‌ای که همراه رسول خدا بودند و در حوادث حضور داشتند به‌ویژه ملازمان دائمی او این دوره را ثبت کرده‌اند» (همان: ۱۲۷). ابهام در واژه ثبت است که آیا منظور ثبت کتابی است یا ثبت شفاهی در حافظه فردی و جمعی.

۲. در عبارت «آنچه درباره مسیح نقل شده است که در سن سی‌وسه سالگی به آسمان رفت، پیوسته نیست و نمی‌تواند به صورت قاعده کلی درآید» (پانویس ۳ صفحه ۱۲۹)؛ تعبیر پیوسته نیست مبهم است؛ شاید منظور این بوده باشد که روایت مستند و مسلسل نیست.

۸.۵.۲ تناقضات

۱. در صفحه ۱۱۸ کتاب آمده است محمد پس از موافقت خدیجه در واگذاری تجارت به او، همراه میسره غلام خدیجه به شام رفت، اما در صفحه بعد در ماجرای ازدواج آن حضرت با خدیجه به این عبارت برمی‌خوریم که «... و بنا به روایتی دیگر، میسره غلام یا کنیز دورگه خدیجه واسطه این ازدواج بود». این که محمد با میسره به سفر تجاری شام رفت اثبات می‌کند که او غلام خدیجه بوده و نه کنیز او، بنابراین کنیز بودن میسره خودبه‌خود منتفی است.

۲. در صفحه ۱۱۸ کتاب می‌خوانیم که خدیجه دو بار [یا مردانی] از قبیله بنی مخزوم شوهر کرده بود، اما در عبارتی متناقض با آن در صفحه ۱۲۰ چنین آمده است که همسر اول خدیجه، هند ابوهاله بن زراره تمیمی بود ... و پس از درگذشت ابوهاله با عتیق بن عائذ (عابد) مخزومی ازدواج کرد. پس یکی از همسران قبلی خدیجه از بنی مخزوم بود و نه هر دوی آنان.

۹.۵.۲ کاستی‌ها

۱. بعضی اصطلاحات مانند «حسمی» و «روافه و قوافه» (ص ۴۸)، «صلخند» (ص ۵۰) و «عام الخنان» (ص ۱۰۰) اولاً به مشخص کردن تلفظ و ثانیاً به توضیح مختصری در پانوشت نیاز دارند.

۲. در خصوص تحنث پیامبر (ص) در غار حرا می‌خوانیم که «از این روایت‌ها چنین برمی‌آید که پیامبر تنها به غار حرا می‌رفت و ...» (همان: ۱۳۴). در این باره جواد علی فقط به طبری و ابن هشام ارجاع داده است و به صرف استناد به آنان چنین نتیجه‌گیری کرده است. حال آن‌که برای چنین استنتاجی ضروری است که همه منابع دیده و همه اطلاعات استخراج شود و گرنه ذکر یک سند و دلیل مخالف می‌تواند آن را رد و نقض کند. یک شاهد و دلیل بر رد این برداشت جواد علی سخن امام علی (ع) در نهج‌البلاغه (خطبه ۱۹۲) است که فرمود: «رسول خدا (ص) هر سال در غار حرا خلوت می‌گزید من او را می‌دیدم و جز من کسی او را نمی‌دید».

۱۰.۵.۲ سبک ادبی کتاب

نوشته تاریخی نوشته ادبی نیست، از این رو به نوشته روزنتال (۱۳۶۵: ۱/ ۲۰۰-۲۰۱) «عنایت تاریخننگاری به داده‌های عینی ... شکلی بیان زبان‌شناختی واقعی و عینی به بار آورد و تاریخ‌نگار ملزم به ذکر نص لفظی منابع و اجتناب از هر گونه مداخله ... در آن‌ها گردید».

بر این اساس، زبان یک اثر پژوهشی تاریخی باید صریح و به دور از آرایه‌ها و لفافه‌های تودرتوی صنایع ادبی و بیان احساسی باشد.

در سراسر این اثر مؤلف از زبان و بیان صریحی استفاده کرده، جز آن‌جا که از نخستین نزول وحی بر رسول خدا (ص) سخن گفته و زبان و قلم او به سوی نثر رمانتیک و احساسی کشیده شده است:

گفته شده است پیامبر صداهایی می‌شنید ... او با شنیدن آن صدا فرار می‌کرد ... پیامبر بعد از شنیدن وحی خسته و حیران از اتفاقی که افتاده بود غار حرا را ترک کرد و به خانه برگشت. ... به سرعت دره‌ها را می‌پیمود و از ابهت آن‌چه دیده بود می‌لرزید. بنا بر اخبار هر چه به خانه نزدیک‌تر می‌شد، ترس و بیمش بیش‌تر می‌شد؛ ... وقتی مردی را در آسمان دید که او را صدا می‌زند، ترس وجودش را فرا گرفت. او دستش را بر صورتش گذاشت تا دیدگانش را از آن‌چه می‌دیدند، باز دارد، اما سودی نداشت. چون به خانه رسید خسته بود و از شدت خستگی نزدیک بود که بر زمین بیفتد. لرزشی همانند لرزش فرد تبار داشت (جواد علی، ۱۳۹۱: ۱۴۹).

۶.۲ نقد ترجمه

۱.۶.۲ مزایای ترجمه

ترجمه خوب تسلط مترجم به زبان مبدأ و مقصد را می‌طلبد. متن ترجمه این اثر به لحاظ سلاست و روانی نثر، فقدان پیچیدگی، معادل‌یابی دقیق واژگان و اصطلاحات فارسی، التزام به نص متن مبدأ و ... گواه روشنی بر ترجمه خوب و ممتاز آن است؛ با وجود این، ترجمه از پاره‌ای نقایص جزئی و خطاها که در مواردی هم سلیقه‌ای است برکنار نیست؛ مواردی مانند:

۲.۶.۲ عنوان ترجمه کتاب

با توجه به عنوان عربی کتاب *تاریخ العرب فی الاسلام* و نیز محتوای آن که مشتمل بر وقایع سه - چهار سال نخست عصر نبوت است، بهتر بود عنوان آن به فارسی «مدخلی بر تاریخ عرب در دوران اسلامی» انتخاب و ترجمه می‌شد و نه *تاریخ عرب در دوران اسلامی؛ سیره نبوی*.

۳.۶.۲ نکات دستوری

در دستور زبان فارسی همه اسم‌ها را می‌توان با «ها» جمع بست، اما نشانه «ان» برای جمع بستن جانداران به کار می‌رود و بهتر است از جمع بستن آن‌ها با «ها» پرهیز کرد. در متن ترجمه در موارد بسیار، خلاف این قاعده، کلمات به جای نشانه «ان» با نشانه «ها» جمع بسته شده‌اند، از جمله: مسلمان‌ها (ص ۱۹ و ...)، مستشرق‌ها (ص ۲۱ و ...)، دانشمندان (ص ۲۳ و ...)، خاورشناس‌ها (ص ۲۴ و ...)، مورخ‌ها (ص ۲۴ و ...)، پادشاه‌ها (ص ۲۶ و ...)، رهبرها (ص ۲۶ و ...)، خویشاوندانها (ص ۲۷ و ...)، راوی‌ها (ص ۲۸ و ...)، تهیدست‌ها (ص ۲۸ و ...)، یهودی‌ها (ص ۹۵)، حکمران‌ها (ص ۱۰۵)، اسیرها (ص ۱۰۷)، مهاجرها (ص ۱۱۲)، نیازمندانها (ص ۱۲۲)، پیامبرها (ص ۱۲۷)، و فرمان‌رواها (ص ۱۴۰). کلمه‌ای که به «ها»ی غیرملفوظ ختم شده باشد در جمع بستن آن با «ان»، «ها» به «گ» بدل می‌شود بنابراین جمع نویسنده، نویسندگان می‌شود و نه نویسنده‌ها (ص ۲۴). جمع کلمات حدیث و مشکل در زبان فارسی به صورت احادیث و مشکلات رایج‌تر است تا حدیث‌ها (ص ۲۷ و ...) و مشکل‌ها (ص ۲۸ و ...).

«ین» نشانه جمع در زبان فارسی نیست، پس جمع مؤلف مؤلفان است و نه مؤلفین (ص ۲۸). هم‌چنین به لحاظ فصاحت زبانی تاریخ‌نگارها (ص ۹۰) به مورخان ترجمه شود.

۴.۶.۲ کاربرد افعال

هر نوع فعلی کاربرد معنایی خاص خود را در جمله دارد، بنابراین در بیان کاری که در گذشته انجام شده و به پایان رسیده است نباید از فعل ماضی نقلی استفاده کرد. در متن ترجمه کتاب در موارد متعددی این قاعده رعایت نشده است، برای مثال صفحه ۲۸ سطر ۸ بوده‌اند به جای بودند، صفحه ۴۰ سطر ۹ نکرده‌اند به جای نکردند، همان صفحه سطر ۱۲ آورده‌اند و نکرده‌اند به جای آوردند و نکردند و صفحه ۱۰۱ سطر ۱۷ «درج شده در منابع نبطی هم آمده است» درست است و نه «درج شده‌اند» و «... آمده‌اند».

۵.۶.۲ اصلاح کلمات و عبارات

صفحه ۱۵ سطر ۱۰ فعل «نپرداختم» به نپردازم، صفحه ۴۶ سطر ۱ «روایتی» به روایات و صفحه ۴۷ سطر ۵ «چیزهایی» به آثاری تغییر یابند. در صفحه ۱۷۳ سطر آخر «سریانی‌ها و کنیسه‌ها خود را صلوتا می‌گویند» به «سریانی‌ها کنیسه‌های خود را صلوتا می‌گویند» اصلاح شود.

۶.۶.۲ افتادگی‌ها

صفحه ۱۱۸ سطر ۲ در عبارت «او دو بار از قبیله بنومخزوم شوهر کرده بود»، «با مردانی» افتاده است. صفحه ۱۲۲ سطر ۶، پس از باقی ماند، «واو» افتاده است. صفحه ۱۲۳ سطر ۷، پس از فرزند، کلمه «پسر» و صفحه ۱۲۶ سطر ۲۳، پس از به صورت دقیق آن‌ها، «را» و صفحه ۱۲۷ سطر ۶، پس از سیره انسانی، «است» افزوده شود. صفحه ۱۵۳ سطر ۵ یا جمله افتادگی دارد یا فعل مرکب «هموار می‌کرد» زائد است. هم‌چنین در صفحه ۱۵۵ سطر ۹ بعد از «ادعوهم لابائهم»، «که» و صفحه ۱۶۵ سطر ۱ پس از «شناخته‌شده‌ای بود»، «واو» و صفحه ۱۷۴ سطر ۱۹، پس از «چنین»، فعل «نوشته‌اند» افتاده است.

۷.۶.۲ اشتباهات

صفحه ۱۵۶ پانویشت ۴ توضیح مترجم محترم اشتباه است و همان نه تن مذکور در متن درست است که عبارت‌اند از: ۱. خدیجه، ۲. علی (ع)، ۳. زید، ۴. ابوبکر، ۵. عثمان، ۶. زبیر، ۷. عبدالرحمن بن عوف، ۸. سعد بن ابی وقاص، و ۹. طلحه.

۸.۶.۲ اضافات و زوائد

صفحه ۸۷ سطر آخر کلمه «سپس»، صفحه ۹۳ سطر ۵ حرف «را» (تکراری)، و صفحه ۱۰۱ سطر ۱۶ حرف «از» زائدند. صفحه ۱۵۵ سطر ۷ پس از بماند صفت مبهم «هر» زائد است و به جای آن نقطه گذاشته شود.

۹.۶.۲ اغلاط تایپی

صفحه ۲۷ سطر ۹ «برای» درست است نه «بر»، صفحه ۳۳ سطر ۱۲ «خواستگارش» درست است نه «خواستگاهش»، صفحه ۶۰ سطر ۲۴، «ایلافهم» درست است نه «الافهم»، صفحه ۹۱ سطر ۲۱، «وارد» درست است نه «وار»، صفحه ۱۱۷ سطر ۱۶، «واگذار» درست است نه «واگزار»، صفحه ۱۳۷ سطر ۹، «عزرائیل» درست است نه «عزائیل»، صفحه ۱۵۷ سطر ۱۰ «این» درست است نه «ایت»، و صفحه ۱۶۸ سطر ۱۱ «مادر فرزندان» درست است نه «مادر فرزنداش».

۱۰.۶.۲ ارجاعات

صفحه ۹۶ پانویشت ۴ به همان جا تغییر یابد.

۱۱.۶.۲ فقدان نشانه‌های دستوری

در موارد اندکی نیز عبارات متن ترجمه فاقد نشانه‌های دستوری ویرگول، نقطه و ... است. مثلاً در پانویشت ۱ صفحه ۵۴، پس از «متن» ویرگول، صفحه ۵۹ سطر ۲ پس از «اصلاح» ویرگول، صفحه ۶۴ سطر ۲ پس از «مال» ویرگول، صفحه ۶۸ سطر ۵ پس از «وسیع» ویرگول، صفحه ۱۳۰ سطر ۱ پس از «صادق بود» نقطه، صفحه ۱۴۸ سطر ۲۲ پس از «سخت» ویرگول، و صفحه ۱۶۹ سطر ۱۴ پس از «عصبیت مبتنی بر خون» ویرگول گذاشته شود.

۳. نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه گفته آمد، جواد علی از پیش‌گامان و بنیان‌گذاران مکتب جدید تاریخ‌نگاری در عراق است و سهمی شایان در این خصوص دارد. بررسی نقش و سهم او در پایه‌گذاری مکتب نو تاریخ‌نگاری در عراق مستلزم بررسی و مطالعه همه آثار و نوشته‌های اوست و مجالی دیگر را می‌طلبد. کتاب *تاریخ العرب فی الاسلام* او بر مبنای مبانی معرفت‌تاریخی، رویکردهای زبان‌شناسی، فکری، فرهنگی، واقع‌نگاری، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی و با بهره‌گیری مؤلف از انواع منابع و اطلاعات دست اول تاریخی به روش مقایسه، تطبیق و نقد و نیز نقل و نقد آرای مستشرقان نگاشته شده است. نوآوری در توصیف و تحلیل مباحث، دقت نظر و موشکافی‌های علمی، به‌کارگیری روش تطبیقی در بهره‌گیری از منابع و نیز نقل و نقد آرا و نظریه‌های مستشرقان از پژوهش‌های ارزشمند در موضوع تاریخ صدر اسلام و به‌ویژه زندگانی و سیره رسول خداست. ترجمه خوب، سلیس، روان، امانت‌دارانه و دقیق کتاب به فارسی نیز از دیگر مزایای کتاب برای پژوهش‌گران حوزه

مطالعات تاریخ اسلام و علاقه‌مندان به مطالعات تاریخ اسلام به زبان فارسی است. در عین امتیازات و مزایای مذکور، نباید دیدگاه و روش تحقیق اثبات‌گرایی تاریخی حاکم بر روح کتاب و پاره‌ای دیگر از نقایص، ضعف‌ها، تناقضات، ابهامات، و کاستی‌های متن و ترجمه را از نظر دور داشت.

منابع

- نهج البلاغه (۱۳۷۳). ترجمه جعفر شهیدی، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- جواد علی (۱۳۹۱). *تاریخ عرب در دوران اسلامی*، ترجمه منصور داداش‌نژاد، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- رزنتال، فرانتس (۱۳۶۵). *تاریخ و تاریخ‌نگاری در اسلام*، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- الکعبی، نصیر (۱۳۹۲). درباره دکتر جواد علی، سایت کتاب‌خانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (بخش گفت‌وگو) به آدرس www.ical.ir.
- الکعبی، نصیر (۲۰۱۱). *الدكتور جواد علی*، بیروت: المركز الأكاديمی للابحاث.
- مطبعی، حمید (۱۹۸۵). «العلامه المورخ جواد علی»، *مجله بین‌النهرین*، ش ۵۹-۶۰.
- ملفّه جواد علی (۱۹۴۷). *المجمع العلمي العراقي*، ش ۵۲۰.
- ملفّه جواد علی (۱۹۵۷). *المجمع العلمي العراقي*، ش ۲۰۰۸.
- ملفّه جواد علی (۱۹۵۸). *المجمع العلمي العراقي*، ش ۵۸۰.
- ملفّه جواد علی (۱۹۶۰). *المجمع العلمي العراقي*، ش ۸۰۴.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ ق / ۱۹۸۹ م). *المغازی*، تحقیق مارسدن جونس، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

